

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی

سال سوم - بهار ۱۴۰۲ - شماره دوازدهم - ص ۱۱۴-۱۴۱

آسیب پذیری خانواده در مواجهه با تهاجم فرهنگی

سُهیلا راستی^۱

ندا رستمیان^۲

ماندانا گودرزی^۳

زهرا پوربساط^۴

محمد مهدی کریمی نیا^۵

چکیده

از آنجائی که نهاد خانواده در اسلام مرکز تربیت و شکوفائی استعدادهای نسل بشر بوده و پیشرفت جوامع و ملت ها به یک نحوی به آن بر می گردد، این مرکز همیشه مورد هجوم فرهنگ بیگانه در طول تاریخ بوده است. امروزه دیده می شود که قدرت های بزرگ دنیا که دین اسلام را مانع حاکمیت خود در جوامع دینی می دانند و از طریق های مختلف با شیوه های متفاوت مثل ایجاد تشکیک و شبهه در اذهان عمومی و تفسیر های غلط و نادرست از آیات قرآن، تولید و ترویج تجمل گرایی و دنیا گرایی و

۱. فوق دیپلم راهنمای آموزشی، فعال فرهنگی و مدیر مدرسه، کد پرسنلی: ۷۰۸۵۲۶۷۹.

Soheyla.rasty1402@gmail.com

۲. کارشناسی علوم تربیتی، گرایش مدیریت و برنامه ریزی آموزشی، فعال فرهنگی و آموزگار ابتدایی، کد پرسنلی: ۹۴۰۱۹۸۹۶.

nedarostamiyannr@gmail.com

۳. کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، فعال فرهنگی و مدیر مرکز اختلالات یادگیری آونگ، کد پرسنلی: ۳۵۹۸۰۲۹۵.

mana.goodarzi1307@gmail.com

۴. لیسانس، فعال فرهنگی و آموزگار، کد پرسنلی: ۹۶۰۹۷۸۲۵.

zahraporbasat2020@gmail.com

۵. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دارای مدرک سطح چهار (دکتری) رشته فقه و اصول و

مدرک دکتری رشته قرآن و علوم، گرایش قرآن و حقوق، نویسنده مسئول،

kariminia@quran.ac.ir

به خدمت گرفتن منابع مادی و ملی کشورهای ثروتمند که عموماً جزء کشورهای منطقه غرب آسیا و حوزه تمدنی خاورمیانه می باشد، با استفاده از رسانه ها و تکنولوژی تبلیغاتی سعی در کمرنگ کردن ارزش های فرهنگی، ملی، مذهبی و تهی سازی خانواده از نقش تربیتی خود دارد تا نیروی جوانان را در پیش برد و پیشرفت کشورها از راه گسترش بی بندوباری و فساد و فحشا از بین ببرد.

کلیدواژه ها: خانواده، فرهنگ، تهاجم فرهنگی، شب خون فرهنگی.

مقدمه

در اسلام نهاد خانواده که بر پایه و اساس ازدواج مرد و زن شکل می گیرد، هسته مرکزی جامعه و مهم ترین کانون تربیت نسل جوان است و می تواند نقش مؤثری در مبارزه با تهاجم فرهنگی داشته باشد. از سوی دیگر تجربه نشان داده است که برخوردهای غلط و ناخوشایند و غیرمنطقی با جوانان آنان را از خانواده فراری داده و گاه سبب می شود مکان های فاسد و دوستان ناباب را پناهگاه خود قرار دهند. فرهنگ هویت هر جامعه را تشکیل می دهد. فرهنگ سرمایه معنوی هر ملت است. فرهنگ اسلام که غنی ترین فرهنگ ها و مطابق با فطرت انسان هاست، خانواده را در جایگاه بسیار والایی می بیند و آنجا را ایمن ترین پناهگاه انسان و شایسته ترین کانون برای رساندن او به رشد و کمال می داند. خانواده نخستین زیرساخت جامعه انسانی است و بی توجهی به نقش خانواده آسیب های جبران ناپذیری بر جامعه وارد خواهد کرد. به همین دلیل، دشمنان اسلام که نتوانستند با کودتا، جنگ تحمیلی، محاصره اقتصادی به مقاصد شوم خود برسند، این نهاد اجتماعی را نشانه گرفته و یورش گسترده ای را با استفاده از ابزارهای نوین و شیوه های گوناگون برای براندازی نظام خانواده آغاز کرده اند.

۱. مفهوم شناسی

به منظور فهم دقیق لازم و ضروری است که مفردات مرتبط با موضوع مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

۱-۱. خانواده در لغت

اهل لغت «خانواده» را به معنای دودمان و تبار، اهل خانه و اهل البیت. (دهخدا، ۱۳۷۳، ۸۲۹۲) و خاندان (معین، ۱۳۸۸، ج ۱، ۶۱۳) تعریف کرده است.

۱-۲. خانواده در اصطلاح

در اصطلاح خانواده، نهادی است که بر پایه ازدواج مرد و زن شکل می گیرد و با تولیدمثل، توسعه می یابد. این نهاد، اساس سازندگی شخصیت انسان و مهم ترین عامل تکامل جامعه بشر است و از این رو،

اسلام، که برنامه‌ی تکامل انسان است، برای تأسیس و تحکیم این نهاد سرنوشت‌ساز و پیشگیری از فروپاشی آن، رهنمودهای بسیار مهمی ارائه کرده است. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹ش، ۱۱).

۱-۳. تهاجم فرهنگی

۱-۳-۱. تهاجم فرهنگی در لغت

واژه تهاجم در لغت به معنای حمله کردن یکی بر دیگری، به یکدیگر هجوم کردن. (دهخدا، ۱۳۷۳ش، ج ۵، ۶۲۸۰) به انبوه در آمدن و ناگاه آمدن آمده است. (معین، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ۵۰۲). «فرهنگ» در لغت مرکب است از «فر» که پیشاوند است و «هنگ» از ریشه ننگ به معنی کشیدن و فرهختن است (دهخدا، ۱۳۷۳ش، ج ۱۰، ۱۵۱۰۹)، ادب، تربیت، دانش، علم و معرفت. (معین، ۱۳۸۸ش، ج ۲، ۱۱۷۶)

۱-۳-۲. تهاجم فرهنگی در اصطلاح

تهاجم فرهنگی در اصطلاح یعنی اعمال قدرت به منظور اشاعه‌ی ارزش‌های فرهنگی کشورهای امپریالیسم در میان کشورهای جهان سوم و خفه کردن فرهنگ این ملت‌ها (لطیفی، ۱۳۸۱، ج ۲، ۱۳۴). تهاجم فرهنگی یا همان جنگ نرم حرکتی است مرموزانه، حساب شده با برنامه‌ریزی دقیق که با استفاده از شیوه‌ها و ابزارها و امکانات متعدد و متنوع برای سست کردن باورها، دگرگونی ارزش‌ها، انحراف اندیشه‌ها، تغییر و تبدیل آداب و سنن و نابودی اصول اخلاقی حاکم بر یک جامعه انجام می‌گیرد.

رهبر معظم انقلاب در این باره می‌فرماید:

«تهاجم فرهنگی به این معناست که یک مجموعه‌ی سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و اسیرکردن یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. در این هجوم باورهای تازه‌ای را به زور و به قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می‌کنند. (همایش بین المللی دکترین مهدویت، ۱۳۹۰ش، ج ۲، ۹۴-۹۵).

۲. مفاهیم مرتبط

۲-۱. شبیخون فرهنگی

«شبیخون فرهنگی» یعنی دشمن یک هجوم فکری اعتقادی و اخلاقی (فرهنگی) ناگهانی و غافلگیرانه را متوجه یک ملت می‌کند تا باورها و اعتقادات و اخلاق آن جامعه را متلاشی کرده و یا

حداقل از کارآیی لازم باز دارد. این شبیخون شیوه‌های خاص کارشناسی شده خود را همراه دارد و در واقع جنگی تمام عیار نه با تسلیحات نظامی، بلکه با موضوعات فرهنگی است. (سایت حوزه، به آدرس: www.hawzah.net. تاریخ دسترسی ۱۳۹۹/۸/۶).

۲-۲. ناتوی فرهنگی

ناتوی فرهنگی به تغییر رویکرد ناتو از کارکرد صرف نظامی به کارکرد دوگانه نظامی- فرهنگی، از زمان فروپاشی شوروی سابق در سال ۱۹۹۱م. اطلاق می‌شود. «ناتوی فرهنگی» در واقع اتحادیه و کنسرسیومی نرم‌افزاری، رسانه‌ای از اعضای ناتو است که با بمباران افکار عمومی جامعه‌ی هدف، تغییر هویت فرهنگی (ارزش‌ها، هنجارها، اعتقادات، باورها، سمبل‌ها، نمادها و...) و سپس تغییر رژیم سیاسی آن جامعه را دنبال می‌کنند. به عبارت دیگر رویکرد اصلی ناتوی فرهنگی جنگ نرم و هدف اصلی آن نابودی هویت ملی جوامع بشری به‌ویژه مقابله با ایمان انسان‌هایی است که می‌خواهند از هویت دینی و ملی خود شرافتمندانه دفاع کنند. (حبیبی، ۱۳۸۶ش، ۱۹۴)

۳. آسیب‌های تهاجم فرهنگی در خانواده

۳-۱. اعتقادی

بررسی نشان می‌دهد که دشمنان ادیان الهی همیشه سعی می‌کنند دین را از صحنه و متن زندگی خارج نموده و آن را به حاشیه برده امری غیر ضروری جلوه دهند؛ زیرا دین حقیقی را مانع چپاولگری و غارت خود می‌بینند. آنان برای رسیدن به این هدف، تمام امکانات خود را بسیج می‌کنند و با تبلیغات گسترده و دامنه دار سعی دارند چهره دین را نامطلوب، ناقص، عقب افتاده و در یک کلمه غیر ضروری و بی اهمیت نشان دهند؛ چنانچه اگر قوانین و مقررات الهی در بین جامعه سست، تضعیف و تحریف شود، گردنکشان به راحتی می‌توانند به اهداف شوم استکباری خود دست یابند. به همین دلیل، سعی می‌کنند قوانین الهی را به اشکال مختلف مورد هجوم قرار داده تا بتوانند به امکانات و ذخایر مادی و معنوی کشورها، خاصه مسلمانان چنگ انداخته و زمینه را برای هرگونه تاخت و تاز و تهاجم فراهم

نمایند. بنابراین مستکبران دین را مانع اصلی خود می بینند. از این رو، با تمام توان آن را مورد تهاجمات خود، خاصه تهاجم فرهنگی قرار می دهند. (مرکز تحقیقات اسلامی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۵ش، ۳۵)

۱-۱-۳. تشکیک و تزلزل اعتقادی

بدون تردید دشمنان اسلام همواره سعی در ایجاد تشکیک در اذهان عمومی دارد و این کار را با هدف حمله به ارزش‌ها و القاء فرهنگ خود انجام می‌دهد. اگر عقائد و اصول در ذهن کسی متزلزل شود و دیگر به باورهای خود اطمینان نداشته باشد، آنجاست که می‌توان گفت خطرناک‌ترین تهدیدها شامل حال او می‌شود. در این یورش، مردم در سایه تبلیغات دشمن، داشته‌های خود را بی‌ارزش پنداشته، سراپا شیفته فرهنگ بیگانه می‌شوند و از ارزش‌های دینی خود کاملاً تهی می‌گردند. پس از اینکه یک فرد مسلمان از نظر فرهنگی مَسخ و در گرداب استحاله غرق شد، شهادت‌طلبی، آزادی‌خواهی، ایثار و فداکاری، عدالت‌محوری، جهاد، حج ابراهیمی و امر به معروف و نهی از منکر دیگر در نظر وی رنگ و بویی نخواهد داشت. (تقی پور، ۱۳۸۸ش، ۹۱-۹۳)

کشورهای استعمارگر همواره به فعالیت در بعد اعتقادی ملت‌ها توجه اساسی داشته‌اند و این به دلیل تأثیر اعتقادات و ارزش‌ها و ملاک‌های آن بر رفتار و عملکرد انسان‌ها می‌باشد. این اعتقادات مانع بزرگی برای ادامه حاکمیت و تحکیم سلطه محسوب می‌گردد. لذا با پوچ‌انگاری فرهنگ دینی و تضعیف ارزش‌های متعالی، اقدام به جایگزینی فرهنگ مادی و مصرفی می‌نماید. (سازمان تحقیقات خود کفایی نیروی مقاومت بسیج، ۱۳۷۹ش، ۱۱۶)

تشکیک در اعتقادات ابتدا با بهره‌گیری از «تبلیغات سوء»، علیه مفاهیم دینی و ارزش‌های اسلامی به مبارزه می‌پردازد. در نتیجه، انسان‌ها را ضعیف و عاجز نشان می‌دهد. دشمن با ارائه اخبار و اطلاعات متناقض و شبهه‌برانگیز که اغلب نادرست هستند، بر آن است تا در هنجارهای مذهبی تزلزل ایجاد کند، سپس دست به «ترویج خرافات و عرفان‌های دروغین و گسترش بدعت‌ها» زده، به تخریب بنیان‌های فکری و مذهبی روی می‌آورد. در این راستا، از «تمسخر و استهزاء» گروه‌ها و حزب‌هایی که دنباله‌رو ارزش‌های اسلامی هستند، فروگذار نمی‌کند و سعی در مخدوش کردن چهره شخص اول دین، حضرت

رسول اکرم صلوات الله علیه و امامان علیهم السلام و اماکن مذهبی و شعائر دین اسلام دارند. همان گونه که کافران صدر اسلام نیز با تبلیغات سوء، تهمت، استهزا و اهانت به پیامبر صلوات الله علیه و نسبت دادن ساحر، دروغگو و مجنون به ایشان در صدد ایجاد شک و شبهه در میان پیروان ایشان بودند تا به زعم خود بتوانند از فعالیت‌های تبلیغی ایشان جلوگیری کنند. (خوانین زاده و همکاران، ۱۳۹۳ش، ۱۱-۱۲)

در آیات قرآن به مصادیق از این گونه تخریب اشاره شده است:

«وَلَقَدْ اسْتَهْزِئَ بِرُسُلٍ مِنْ قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ، (انعام، ۱۰)؛

یعنی: و پیش از تو پیامبرانی به استهزا گرفته شدند؛ پس آنچه را مسخره می‌کردند، گریبانگیر مسخره‌کنندگان ایشان گردید».

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَ قَالِ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ، (ص، ۴)؛

یعنی: و از اینکه هشداردهنده‌ای از خودشان برایشان آمده درشگفتند، و کافران می‌گویند: «این، ساحری شیاد است»!

«وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ، (قلم، ۵۱)؛

یعنی: و می‌گفتند: یعنی او واقعاً دیوانه‌ای است»!

یکی از وسایل ارتباط جمعی ماهواره است؛ این وسیله ارتباطی در واقع به دنبال تمسخر باورها و عقاید، سعی در «استخفاف و از بین بردن خودباوری» در جامعه دارد. بدین ترتیب، جامعه مورد هجوم واقع می‌شود و رفته‌رفته باور می‌کند که در برابر دشمنان هیچ است و آن‌گاه افکار خود را تسلیم دشمن می‌کند و اگر خودباوری و افتخار درونی از بین برود، بیگانگان به سهولت می‌توانند بر جوامع نفوذ کنند و عقاید خود را تحمیل نمایند؛ همچون فرعون که قرآن کریم در جریان تسلط وی بر قوم او می‌فرماید:

«فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ، (زخرف، ۵۴)؛

یعنی: پس قوم خود را سبک مغز یافت و آنان را فریفت و اطاعتش کردند، چرا که آنها مردمی منحرف بودند».

فرعون تا جایی پیش رفت تا بنا به فرمایش قرآن کریم، کم کم حسّ خدایی کرد و گفت من پروردگار شما هستم:

«فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى، (نازعات، ۲۴)؛

و گفت: «پروردگار بزرگتر شما منم!»!

بدون شک نفی خودباوری به مرور زمان باعث می شود انسان ارزش هایی را که به آنها پایبند بوده، از یاد ببرد و از حزب الله به حزب شیطان برگردد و پیرو امیال پست باشد که سبب غضب خداست. بدین ترتیب، کسی که خداوند رضایت او را فراموش کند، خود را فراموش می کند و کسی که خود را فراموش کند، دیگر از اشرف مخلوقات بودن غافل می گردد و از هسته مرکزی خویش که همان فطرت الهی، توحیدی و کمال طلب است، فاصله می گیرد. (خوانین زاده، ۱۳۹۳ش، ۱۳)

۲-۱-۳. ایجاد شبهه

یکی دیگر از راه های آسیب پذیری خانواده، ایجاد شبهه در ذهن است. امام علی علیه السلام در معنای شبهه می فرماید:

«شبهه را برای این شبهه نامیدند که به حق شباهت دارد». (دشتی، ۱۳۷۹ش، خطبه ۳۸، ۹۱).

آن حضرت در جای دیگر می فرماید:

«احذَرُوا الشُّبُهَةَ فَإِنَّهَا وُضِعَتْ لِلْفِتْنَةِ، (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۷، ۱۰۳)؛

یعنی: از شبهه دوری کنید؛ زیرا شبهه به قصد فتنه و گمراه کردن ساخته شده است».

هیچ گاه شبهه با عنوان و برچسب آشکار شبهه مطرح نمی شود و عوامل شبهه ساز نیز هیچ گاه غرض و مقصود خود را در قالب پرسش ها و نظریات علمی شبهه دار به صورت آشکار بیان نمی کنند. هیچ گاه نمی گویند: این که ما مطرح می کنیم، شبهه است؛ بلکه آنان در پوشش ها، قالب ها و شیوه

های نامرئی و بسیار زیرکانه، شبهات خود را مطرح می کنند، چرا که بهترین و مؤثرترین شیوه ی القای شبهه، شبهه افکنی غیرمستقیم می باشد. (آخوندی، ۱۳۸۳ش، ۸۶).

در واقع شبهه به قصد گم کردن حق و حقیقت و با نیت غیرصادقانه و برای ایجاد گمراهی انجام می شود. (مهدی زاده، ۱۳۹۳ش، ۲۱۷).

قرآن کریم می فرماید:

«وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره، ۴۲)؛

«و حق را به باطل درنیامیزید، و حقیقت را با آن که خود می دانید، کتمان نکنید».

از این آیه شریفه استفاده می شود در بسیاری از موارد افراد شبهه افکن می دانند حق چیست و نظر حق کدام است، ولی با این حال به خاطر انگیزه های مادی حاضر به پذیرش آن نیستند و با القای شبهه در صدد منحرف کردن دیگران بر می آیند. به نظر می رسد به دلیل تأثیر شبهه در ایجاد انحراف است که در روایات از شبهه مذمت شده است. (مهدی زاده، ۱۳۹۳ش، ۲۱۸).

در این آیه کتمان حقیقت، هدف یهود و نصارا از آمیختن حق و باطل بوده است. در واقع کتمان حقایق دینی و ایجاد عواملی برای ناشناخته ماندن معارف الهی، امر نکوهیده و حرام است. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ش، ج ۱، ۱۲۲).

در آیه فوق اگر چه به ظاهر خطاب متوجه به بنی اسرائیل و جماعت یهودیهان است، ولی در واقع اعتراض وارد می شود بر آن کسانی که آنچه از آیات و آثار بر خلاف غرض و مقصد آنها است، تأویل می کنند و تحریف می نمایند تا آن که با غرض آنها وفق دهد. (نصرت بیگم، ۱۳۶۱ش، ۲۹۰)

حضرت علی (ع) می فرماید:

همانا آغاز پدید آمدن فتنه ها، هواپرستی و بدعت گذاری در احکام آسمانی است، نوآوری هایی که قرآن با آن مخالف است و گروهی بر گروه دیگر سلطه و ولایت یابند که برخلاف دین خداست. پس اگر باطل با حق مخلوط نمی شد، بر طالبان حق پوشیده نمی ماند و اگر حق از باطل جدا و خالص می گشت زبان دشمنان قطع می گردید. آنجاست که شیطان بر دوستان خود چیره می گردد و تنها آنان

که مشمول لطف و رحمت پروردگارند نجات خواهند یافت. (نهج البلاغه با ترجمه محمد دشتی، ۱۳۷۹ ش.، خطبه ۵۰، ۱۰۳)

مقام معظم رهبری با اشاره به هزینه‌های گزاف و برنامه‌ریزی‌های فراوان علیه ایمان و اعتقادات مردم می‌گویند:

دشمن از طریق تولید و ترویج شبهات و همچنین تولید محتوای ضد عفت و حیا، به دنبال انحراف جوانان مؤمن و سالم از اصل دین و دریدن پرده‌های حیا است و امروز این کار در بستر فضای مجازی انجام می‌شود (درس خارج، ۱۳۹۵ ش.).

۳-۱-۳. تفسیر غلط و نادرست آیات قرآن

قرآن کریم مشتمل بر آیات متشابه است که عالمان که عالمان راستین و فتنه‌گران لجوج را از هم جدا می‌سازد. لذا به دنبال آن می‌فرماید:

«اما کسانی که در قلوبشان انحراف است، پیروی از متشابهات می‌کنند تا فتنه‌انگیزی کنند و تفسیر (نادرستی بر طبق امیال خود) برای آن می‌طلبند (تا مردم را گمراه سازند) در حالی که تفسیر آن را جز خدا و راسخان در علم نمی‌دانند». (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش.، ج ۲، ۴۳۲)

قرآن کریم می‌فرماید:

«فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ، (آل عمران، ۷)؛

یعنی: اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است، برای فتنه‌جویی و طلب تأویل آن «به دلخواه خود» از متشابه آن پیروی می‌کنند».

واژه «متشابه» در اصل به معنی چیزی است که قسمت‌های مختلف آن شبیه یکدیگر باشد. به همین جهت، به جمله‌ها و کلماتی که معنی آنها پیچیده است و گاهی احتمالات مختلف در باره آن داده می‌شود، «متشابه» می‌گویند و منظور از متشابهات قرآن همین است؛ یعنی آیاتی که معانی آن در بدو نظر پیچیده است، و در آغاز، احتمالات متعددی در آن می‌رود، اگر چه با توجه به آیات محکم، تفسیر آنها روشن است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷ ش.، ۴۳۳).

در ذیل آیه فوق می‌خوانیم که افراد مغرض، همیشه آیات متشابه را دستاویز خود قرار می‌دهند، بدیهی است آن‌ها از آیاتی سوء استفاده می‌کنند که در بدو نظر تاب تفسیرهای متعددی دارد. (همان، ۴۳۳)

کج فهمی و انحراف فکری، زمینه رو آوردن به جستجوی نادرست در معانی پیچیده آیات متشابه قرآن و اکتفا به آن است. تلاش برای گمراه‌سازی مردم و ایجاد اختلافات عقیدتی در آنان، انگیزه کج اندیشان در منحصر ساختن تحقیقات خویش به آیات متشابه قرآن می‌باشد. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ش، ج ۲، ۳۰۰).

تأویل در آیه‌ی فوق به این معناست که کسی برای گمراه کردن دیگران از پیش خود تفسیر و توجیه نادرستی برای آیات متشابه بسازد. پس مقصود آیه‌ی فوق این است که افراد منحرف، با اغراض فاسد، می‌خواهند آیات متشابه را به شکلی غیر از آنچه هست تفسیر و توجیه کنند. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش، ج ۳، ۳۶)

از سوء استفاده‌هایی که گاهی بعضی از مغرضان از آیات قرآنی می‌کنند، خبر می‌دهد. کسانی که در دل‌های آن‌ها میل به باطل وجود دارد و غرض ورز و باطل‌گرا هستند، با یک هدف شیطانی دنبال آیات متشابه می‌روند؛ همان آیاتی که فهم آن‌ها با تدبر و تأمل میسر است و وجوه مختلفی دارد آن‌ها برای دو هدف چنین می‌کنند: نخست اینکه می‌خواهند فتنه‌انگیزی کنند و دیگر اینکه می‌خواهند آیات قرآنی را از معانی درست آن به معانی نادرستی تأویل و تفسیر کنند.

این افراد، برای خود افکار و اندیشه‌های پیش ساخته‌ای دارند و می‌خواهند از آیات قرآنی برای افکار خود دلیلی بتراشند و اندیشه‌های خود را به قرآن تحمیل کنند. از این رو سراغ آیات متشابه می‌روند که تاب معانی گوناگونی را دارد و آنها را مطابق با افکار باطل خود تفسیر می‌کنند و بدین گونه در جامعه فتنه‌انگیزی می‌نمایند. از این گونه افراد و گروه‌ها بخصوص پس از رحلت پیامبر اسلام که عقاید گوناگون و فرقه‌های مختلف در جامعه اسلامی به وجود آمد، فراوان دیده می‌شود.

گروه‌هایی مانند خوارج و قدریه و مرجئه و بعدها معتزله و حشویه و اشاعره همواره اندیشه‌های خودساخته خود را به آیات قرآنی تحمیل می‌کردند. در حالی که یک مسلمان راستین همواره باید خود را تسلیم و سرسپرده آیات قرآنی کند و هر چه به دور از جنجال‌های تبلیغی و گروه‌گرایی، از قرآن به دست آمده، از آن پیروی کند. این‌ها آیات قرآنی را مطابق با مذاق خود تأویل می‌کنند، در حالی که تأویل قرآن از عهده هر کس بر نمی‌آید و تنها خدا و کسانی که در علم و دانش استوار هستند، تأویل قرآن را می‌دانند. (جعفری، ۱۳۷۶ش، ج ۲، ۶۷).

برای مثال یکی از اصول گرایش فمینیستی در تفسیر قرآن آزادی عقل در فهم قرآن کریم می‌باشد و عقل را تنها منبع معتبر برای فهم قرآن می‌دانند. این مفسران در صدد ارائه فهم جدیدی از قرآن هستند. مفسران فمینیست با کنار گذاشتن سنت تفسیری، بر تعقل شخصی خود تکیه کرده و قرآن را بهترین منبع فهم اسلام می‌دانند. در نتیجه، بدون استفاده از منابع دیگر، به تدبر در قرآن می‌پردازند. به عبارت دیگر، مشی تفسیری آن‌ها تفکر بر ظاهر قرآن است.

به عنوان مثال برخی از این مفسران دلالت آیه زیر را بر برتری مردان را باطل دانسته و در مقابل، آن را دال بر برتری زنان بر مردان تفسیر نموده‌اند!

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء، ۳۴)؛
ترجمه: مردان دارای ولایت بر زنانند از آن جهت که خدا بعضی از ایشان (مردان) را بر بعضی (زنان) برتری داده (قدرت بدنی، تولیدی و اراده بیشتری دارند) و از آن جهت که از اموال خود نفقه می‌دهند».

آن‌ها استدلال می‌کنند دلیل این امر در خود آیه بیان شده که چون مردان برای زنان، کار می‌کنند و از آنان حمایت مادی می‌نمایند، پس زنان بر مردان برتری دارند. همچنین که گاه در مصداق حجاب از نظر قرآن تشکیک کرده و آن را به معنای کلی عفاف تفسیر می‌کنند.

برخی دیگر با اشاره به آیه چهارم سوره احزاب قائل هستند که خداوند از روی اکراه مسئله چندهمسری را پذیرفته است که به نوعی قائل به تأثیرپذیری خداوند و اشکال در صفات کمالی خداوند است!

نمونه دیگری که در بین آراء فمینیستی دیده می شود، اصل احترام به زنان است. آن ها با اشاره به استعمال های قرآنی، زن که اغلب به صورت اضافه به نام یک مرد خاص آمده است؛ مانند: امراه عمران، ام موسی بیان می دارند که این کاربردهای قرآن نشان دهنده اصل احترام به زن است و از آن نتیجه می گیرند که خطاب محترمانه به زنان در هر زمانی لازم است. (کریمی بناکوک، ۱۳۹۴ ش، ۶۷)

۳-۱-۴. ایجاد مانع برای ورود قرآن در متن جامعه

قرآن کریم می فرماید:

«وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنَسْمَعَنَّ هَذَا الْقُرْآنَ وَ الْعَوَّا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ» (فصلت، ۲۶)؛

ترجمه: و کسانی که کافر شدند گفتند: «به این قرآن گوش ندهید و سخن لغو در آن اندازید، شاید شما پیروز شوید».

قرآن در آیه فوق به نهایت عجز و بیچارگی کفار در مبارزه با قرآن اشاره می کند؛ به طوری که بعد از آن که نتوانستند کلامی مثل آن را بیاورند، و یا اقامه برهانی علیه آن بکنند، کارشان در بیچارگی به اینجا کشید که به یکدیگر سفارش کنند که گوش به قرآن ندهند، و هر جا قرآن خوانده شود، سر و صداهای بی معنا در آورند، تا صدای آن شخص به گوش کسی نرسد، و در نتیجه اثرش لغو گردد. (کریمی بناکوک، ۱۳۹۴ ش، ۶۷-۶۸).

در واقع تحریم گوش فرادادن به قرآن، از سوی کافران عصر پیامبر صلوات الله علیه و تلاش مشرکان برای مقابله با قرآن، از طریق جنجال آفرینی و ایجاد سر و صدا، هنگام قرائت آیات آن به وسیله پیامبر و مؤمنان را بیان می کند. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ ش، ج ۱۶، ۲۹۸).

آیه فوق یکی از توطئه های کفار برای غلبه بر حق و دین خدا را برملا کرده و خبر از یکی از حرکات شیطنت آمیز آنان برای جلوگیری از نفوذ و گسترش فرهنگ حق را می دهد و پرده از نیت شوم

آنان برداشته و راز سروصدا و جنجال آنان را آشکار می کند. خلف ناپاک این کافران نیز علاوه بر جلوگیری از رسیدن صدای حق به گوش جهانیان، با ایجاد هیاهو و طرح جنجال های بی فایده و مشغول کردن افکار عمومی بشر نمی گذارد ندای قرآن و پیام الهی به گوش جهانیان برسد. از این رو، می بینیم با طرح هر مسأله حقی از ناحیه نظام اسلامی با شیوه های شناخته شده تبلیغاتی و استفاده از همه امکانات و ابزار موجود، نمی گذارند سخن اسلام به گوش حتی مسلمانان جهان برسد و اخبار و حوادث عظیم انقلاب، در رسانه هایی که کوچک ترین حادثه از نظر آنان پنهان نمانده و توسط آنان به همه جهان منتقل می شود، پوشیده و مخفی می ماند. سخنان و پیام های رهبر کبیر انقلاب و همچنین بیانات مهم و جهانی رهبر معظم انقلاب به ویژه پیام های برائت در موسم حج، که به طریق های مختلف از نشر آن ها جلوگیری می شده، شاهد این مطلب است. (اکبری، ۱۳۷۵ ش.، ص ۶۶).

۳-۲. اقتصادی

یکی از صور سلطه کفار بر مسلمین، سلطه اقتصادی است. در این شیوه دشمن کوشش می کند که اقتصاد مسلمان ها را تحت کنترل خود درآورد تا از فعالیت های اقتصادی، منابع زیرزمینی و معادن آن ها به نفع خویش بهره برداری کند. برای این کار الگوی مصرف را متناسب با منافع خود تغییر می دهد و به وسیله تبلیغات و برنامه ریزی، روح مصرف گرایی را در جامعه مسلمانان تقویت می نماید. آن گاه با پرداخت سوبسیدهای کلان و صدور کالاهای ارزان به کشور مورد نظر، کارخانجات داخلی آن کشور را به ورشکستگی می کشاند و با هر توطئه ای از پیشرفت صنایع آن کشور جلوگیری می کند تا بازار مسلمان ها را در انحصار کالاهای خود در آورد و سرانجام بتواند شریان اقتصادی آنان را کاملاً در اختیار بگیرد. (مصباح، ۱۳۷۶ ش.، ص ۴۲).

۳-۲-۱. تجمل گرایی

امروزه غرب با سرمایه گذاری و قدرت صنعت توانسته است کالاهای شیک و متنوع را به بازار مصرف وارد کند و خانواده ها را به سمت رفاه زدگی بکشاند. از این رو یکی از آسیب های و پدیده های نابهنجار که در جامعه ما گریبان گیر بسیاری از خانواده ها شده است، پدیده تجمل گرایی و رفاه

زندگی است؛ یعنی انسان در عرصه های مختلف زندگی مخصوصاً در عرصه مصرف به تشریفات اضافی و پرخرج روی آورد به گونه ای که این عمل در زندگی برای او به یک هدف تبدیل شود. (نساجی، ۱۳۹۳ش، ۵۳-۵۲).

سودجویان غرب همه ی اهرم های ممکن را در راه برقراری سلطه ی همه جانبه و چیرگی سیاسی و اقتصادی خود به کار می گیرند و کشورهای تحت سلطه را حتی در گزینش کالاهای وارداتی، آزاد نمی گذارند. اینان از فقر مادی و نیازمندی های علمی، صنعتی و تکنولوژیکی کشورهای جهان سوم استفاده کرده و با ترفندهای گوناگون، زمینه ی ورود فرهنگ خویش را فراهم ساخته و با دست های پنهان و آشکار خویش، به چپاول منابع ارزنده آنان می پردازند.

در این شیوه ی ضدانسانی، باورکردن کالاهای مصرفی لوکس که استفاده از آن ها فرهنگ خاصی می طلبد؛ مانند: لوازم آرایش، لباس های بدن نما با مدل های تحریک کننده و مانند آن، خودروهای سواری پر زرق و برق و غیره. به کشورهای غارت شده و با تبلیغات وسیع خویش، تجمل گرایی و مصرف زدایی و روحیه ی اشراف گری را در بین سران کشورها و طبقه ی مرفه بی درد، ایجاد نموده و از غفلت و ناآگاهی طبقات مختلف مردم که موجب جدایی از بنیان های فکری و فرهنگی بومی - می شود، استفاده می نمایند. آنان با تشدید و ترویج این گسستگی فکری، ملت ها را به استحاله فرهنگی و غرق شدن در دام های گسترده خود گرفتار می سازند. (مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۵ش، ۱۲۰)

رهبر انقلاب اسلامی نیز گرایش به سمت مدگرایی، تجمل گرایی، تازه طلبی و افراط در آرایش و نمایش زنان در برابر مردان را یکی از بزرگترین عوامل انحراف در هر جامعه ای توصیف کردند و ضمن فراخواندن زنان مسلمان به مقاومت در برابر این گونه تهدیدات ضد اخلاقی فرمودند:

«غربی ها مایل نیستند زنان در جوامع جهان سوم آرمان خواه و دارای فکر روشن و هدف های بزرگ باشند. لذا زنان جوان در جامعه ما باید مراقب این کمند ناپیدا و بسیار خطرناک فرهنگ و تفکر غربی

باشند و از آن پرهیز کنند. صلاح زنان در جامعه، صلاح مردان را بدنبال دارد و در این ارتباط زنان نقش برجسته ای را برعهده دارند. (سخنرانی در دیدار پرستاران، ۱۳۹۹ش، ۱۲/۱)

تجمل پرستی از موانع پیشرفت و عوامل سقوط و انحطاط تمدن‌ها است که قرآن از آن‌ها به «اتراف» تعبیر کرده و آن‌ها را از عوامل منفی حرکت تاریخ دانسته است؛ زیرا ملتی که مُتْرِف و سرمست شود راه اتراف و اسراف را بی‌ماید و سرگرم تدارک غذاهای لذیذ، لباس فاخر، خانه‌ی مجلل و زندگی رنگین شود، روح تحرک و تلاش را از دست می‌دهد و به فسق و فساد دست می‌آید و در چنین جوامعی شکاف طبقاتی عمیق‌تر، نارضایتی عمومی افزون‌تر و جامعه‌ی انسانی به سراشیبی سقوط نزدیک‌تر می‌شود و سرانجام به نابودی می‌گراید. (جمعی از نویسندگان، بی تا، ۱۲۳).

قرآن کریم می‌فرماید:

«وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (سبأ/۳۴)؛

ترجمه: و مادر هیچ شهری هشداردهنده‌ای نفرستادیم جز آنکه خوشگذرانان آنها گفتند: ما به آنچه شما بدان فرستاده شده‌اید کافریم».

در این تفسیر اشاره است به این که زیاده‌روی در لذایذ کار آدمی را به جایی می‌کشاند که از پذیرفتن حق استکبار ورزد. خاصیت اتراف، و ترفه، و غوطه‌ور شدن در نعمت‌های مادی همین است، که قلب آدمی بدان‌ها متعلق شود، و آنها را عظیم بشمارد، و سعادت خود را در داشتن آنها بداند؛ حالا چه اینکه موافق حق باشد، یا مخالف آن، در نتیجه همواره به یاد حیات ظاهری دنیا بوده، ماورای آن را فراموش می‌کند. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۶، ۵۷۸). رفاه‌طلبی، انسان را بی تفاوت و سنگدل نموده و به استکبار می‌کشاند. (قرائتی، ۱۳۸۸ش، ج ۷، ۴۴۹) و برخورداری از ثروت و رفاه، موجب پیدایش خصلت حق‌ناپذیری است. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ش، ج ۱۵، ۶۴).

لفظ دنیا بر وزن فعلی، افعال تفضیل از دنی یعنی آدنی و پست تر است و تسمیه دنیا به این اسم خود بیانگر ماهیت مذمت از این نشئه و زندگی در آن است. بنابراین دنیا به این معنی زمینه پذیرش فرهنگ باطل و انحراف و کزی است که در آیات به آن اشاره شده است. (اکبری، ۱۳۷۵ش، ۵۰).

بی توجهی به آینده و فقط حل را نگرستن و به تعبیر فرهنگ قرآنی تنها به فکر دنیا بودن از جمله معیارهایی است که نظام‌های استکبار برای انسان ترسیم می‌کنند و اعتقادات و اخلاق فردی و اجتماعی را از انسان‌ها می‌زداید. در این صورت هیچ اعتقادی به سرای دیگر و معاد و آخرت وجود ندارد؛ در نتیجه ارزش‌های خلاقیتی - انسانی فدای مادیات و زندگی مادی می‌شود. (مرکز تحقیقات اسلامی، نمایندگی در سپا، ۱۳۷۵ش، ۱۰۴)

قرآن کریم در آیات متعددی آثار دنیاگرایی را به عنوان یک آسیب خطرناک برای فرهنگ هر جامعه‌ای برشمرده و گوشزد کرده است که جامعه‌ای که دنیاگرایی بر مناسبات و ارتباطات فردی و اجتماعی آن سایه گسترانده باشد و شاخص‌های دنیاگرایانه بر نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارها حاکم باشد، خود به دست خود راه را برای هجوم آسیب‌های فرهنگی هموار ساخته است. در فضای چنین جامعه‌ای فرهنگ مادی جایگزین فرهنگ معنوی خواهد شد. (احمدزاده، ۱۳۸۷ش، شماره، ۵۵ و ۵۴، ۵۸)

خداوند سبحان می‌فرماید:

«زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ، (آل عمران/۱۴)؛

ترجمه: دوستی خواستنی‌های گوناگون از زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و دام‌ها و کشتزارها برای مردم آراسته شده، لیکن این جمله، مایه تمتع زندگی دنیاست، و حال آنکه فرجام نیکو نزد خداس».

از جمله مظاهر لذت‌های مادی، لذت بردن از زنان، فرزندان و ثروت است. اما اسب، چهارپایان و زراعت، درست مانند زر و سیم از مصادیق ثروت به شمار می‌رود. ولی این مظاهر لذت و رغبت، با تمام انواع مختلفی که دارد موجب سعادت مطلق انسان نمی‌شود. (مغنیه، ۱۳۷۸ش، ج ۲، ۴۳).

جلوه کردن دنیا در نظر انسان، گاهی از طریق خیالات شخصی و گاهی از سوی شیطان و گاهی از جانب اطرافیان متملق صورت می گیرد. مصادیق جلوه های دنیا که در آیه ذکر شده، با توجه به زمان نزول آیه است و می تواند در هر زمانی مصادیق جدیدی داشته باشد. طلا و نقره، کنایه از ثروت اندوزی، و اسب کنایه از مرکب و وسیله نقلیه است. علاقه ی طبیعی به مادیات، در نهاد هر انسانی وجود دارد، آنچه خطرناک است، فریب خوردن از زینت ها و جلوه های آن و عدم کنترل دلبستگی هاست. مراقب باشیم که زینت ها و جلوه های دنیا، مقدمه ی غفلت از آخرت است. (قرائی، ۱۳۸۸ ش، ج ۱، ۴۷۹-۴۷۸).

۳-۳. آسیب رسانه ای

۳-۳-۱. بزرگ نمای فرهنگ غربی

از جمله دغدغه های فکری امام خمینی قدس سره مسئله مهم غرب زدگی مردم مسلمان خصوصا قشر تحصیل کرده و روشنفکران آن ها بوده است. او بارها و در موارد متعدد به عوامل ایجاد و گسترش غرب زدگی و خطرات و پی آمدهای سوء آن در کشورهای اسلامی، اشاره و رهنمودهایی برای رفع و زدودن این عارضه و بلای عظیم از میان کشورهای اسلامی، خصوصا از جامعه اسلامی ایران بیان داشته اند. به نظر امام «غرب زدگی» یعنی عدم اتکای مردم به توانایی بالقوه و بالفعل خود برای رفع مشکلات و اتکاء به نیروی اجنبی برای کسب ترقی و کمال. «غرب زده» کسی است که از محتوا تهی و هیچ گونه توانایی را در وجود خود و جامعه خود حس نمی کند تا به واسطه آن به مقاصد مادی و معنوی دست یابد و تنها راه حل مشکلات و ترقی و کمال را در غرب و فرهنگ غربی دیده و خود را مزین به فرهنگ و آداب و رسوم غربی نموده است. (جمعی از محققین، بی تا، ۲۵۰۳).

حالت خودباختگی بیشتر ناشی از «خودکم بینی و احساس حقارت» در قبال پیشرفت و موفقیت دیگران است. لذا استکبار جهانی با دست یافتن به پیشرفت های مادی، چنین تبلیغ می کند که علت پیشرفت های مختلف و شگفت آور جهان غرب ناشی از فرهنگ آن ها است.

این گونه تبلیغات در افراد ضعیف النفس و کسانی که از آگاهی و تحلیل صحیحی برخوردار نیستند، تأثیر گذارده، آنان را مجذوب فرهنگ غرب می کند. این افراد سعی می کنند خود را با فرهنگ بیگانه

تطبیق دهند تا شاید از این طریق بتوانند به منزلت و پیشرفت دست یابند، حال آن که این گونه افراد در چشم بیگانگان، به صورت مقلدینی دیده می‌شوند که از خود هیچ گونه اراده‌ای ندارند.

با پیروزی انقلاب اسلامی دشمن دست از شیطنت برداشته، بلکه با شیوه‌های مدرن‌تری به تهاجم خود ادامه می‌دهد که آن شیوه تهاجم فرهنگی است و برای این کار از روشنفکر نمایان وابسته که رسوبات فکری القا شده اربابان را در ذهن دارند، استفاده می‌کند. این قلم فروختگان، در مجلات، روزنامه‌ها، کلاس‌های درسی و هر فرصتی که بدست آورده‌اند به تضعیف فرهنگ خودی و تقویت فرهنگ بیگانه پرداخته و می‌پردازند. و از طرف دیگر، دشمن به شیوه مستقیم با استفاده از وسایل پیشرفته ارتباطات (ویدئو و تلویزیون، گیرنده‌های ماهواره‌ای) سعی در القای خود کم بینی و خود باختگی فرهنگی را دارد. (مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۵ش، ۲۹-۳۰).

قرآن کریم می‌فرماید:

«فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ» (غافر،

۱۸۳)؛

ترجمه: و چون پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند، به آن چیز «مختصری» از دانش که نزدشان بود خرسند شدند، و «سرانجام» آنچه به ریشخند می‌گرفتند آنان را فروگرفت».

بدون شک سرچشمه اصلی انحراف و بدبختی گروه کثیری از مردم کبر و غرور است و تکبر، گاه از داشتن امکانات مالی یا نیروی نظامی و گاه از داشتن مختصر معلوماتی سرچشمه می‌گیرد. در عصر و زمان ما نمونه واضح آن بخصوص بعد از پیروزی‌های علمی و صنعتی در جوامع پیشرفته مادی مشاهده می‌شود؛ زیرا یکی از عوامل موثر نفی مذهب و دین و روی آوردن به مکتب‌های الحادی همان غرور علمی بود که در قرون اخیر برای جمعی از دانشمندان علوم طبیعی پیدا شد. آن‌ها با کشف اسراری از طبیعت و دست یافتن به روزنه‌هایی از علم آنچنان از علم، مست و مغرور شدند که تصور کردند چیزی در این عالم جز آنچه آن‌ها می‌دانند وجود ندارد و این غرور تا جایی گسترش یافت که اصلاً مذهب و وحی انبیاء را زاییده امثال جهل و ترس پنداشتند و دوران زندگی بشر را از نظر فکری به

چهار دوران افسانه‌ها، مذهب، فلسفه، علم یعنی علوم طبیعی و تجربی تقسیم کردند و سه دوره اول را طی شده به حساب آوردند و خود را در دوره‌ی چهارم می‌دیدند.

این غرور علمی که با وجود تنبّه‌ها و جنگ‌ها و مفساد اخلاقی و اجتماعی و بروز انواع نابسامانی‌ها تا مقداری از آن کاسته شده، ولی هنوز در بین بعضی از افراد بشر وجود دارد و همین باعث حقانیت آن‌ها شده به گونه‌ای که خود را قافله‌سار تمدن بشری و مسوول به اصطلاح خودشان نجات بشر از فرهنگ موجود و ترقی بخشیدن آنان می‌دانند؛ غافل از آن که با وجود محدودیت علم آن‌ها و ناتوانی علوم موجود بخصوص علوم انسانی از رفع نیازهای بشر و شیوع مفساد و مشکلات غیرقابل حل مثل قتل و کشتارها و تجاوزات نیاز به تعلیمات انبیاء و وحی و معارف الهی وجود دارد. (اکبری، ۱۳۷۵ش، ۲۰-۲۱).

مقصود از علم در این آیه علوم بشری است که موجب به وجود آمدن تمدن و قدرت بسیار گردید و در نتیجه اقوام گذشته احساس می‌کردند که نیازی به تعالیم آسمانی برای تأمین زندگی خود ندارند. (اکبر هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۸ش، ج ۱۶، ۲۵۶)

علامه در تفسیر المیزان می‌فرماید:

مراد از جمله «بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ» اطلاعاتی است که از زینت زندگی دنیا و فنون تدبیری است که برای به دست آوردن آن داشتند، و خدای سبحان این فنون تدبیر را «علم» نامیده، تا بفهماند غیر از آن علمی نداشتند و مراد از فرحشان از علمی که دارند، غرور و خودپسندی ناشی از زرنگی و علم ظاهری است که در اداره زندگی خود دارند. و خودباختگی در مقابل این اطلاعات و زرنگی‌ها، باعث شد که از معارف حقیقی که به وسیله رسولان خدا عرضه می‌شود، اعراض کنند و آن را چیزی به حساب نیاورند و مسخره کنند. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۷، ۵۳۹)

در این آیه به غرور علمی بشر در برابر پیامبران الهی در طول تاریخ اشاره شده است. انسان‌های بی‌ظرفیت هرگاه به مختصری از دانش بی‌کران جهان دست یابند، گرفتار غرور می‌شوند و دین را به حاشیه می‌رانند و حتی ادعای بی‌نیازی نسبت به معنویات می‌کنند. اما هنگامی که علم بدون ایمان

انسانیت را به پرتگاه جنگ‌های جهانی و نابودی کلی سوق می‌دهد و مفسد اخلاقی و اجتماعی را دامن می‌زند و هنگامی که انسان به معماهای علمی بر می‌خورد و خود را در برابر آن‌ها ناتوان می‌بیند، بار دیگر به سوی دین بازمی‌گردد و راه حل این بیماری‌ها را از پیام‌آوران خدا می‌خواهد. همان طور که در قرن بیستم این مراحل بر بشر گذشت و در اوایل قرن، بشر به پیشرفت‌های علمی مغرور شد و از خدا و دین فاصله گرفت، ولی در اواخر قرن، به دین و معنویت بازگشت. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷ش، ج ۱۸، ۹۴)

در آیه دیگری خداوند می‌فرماید:

«فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ذَلِكَ مَبْلَغُهُمِ مِنَ الْعِلْمِ، (نجم، ۲۹، ۳۰)؛

ترجمه: پس، از هر کس که از یاد ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است، روی برتاب. این منتهای دانش آنان است».

این آیه حاکی از آن است که این‌ها به علوم مادی بسنده کردند و خوشحال بودند که از آن علوم برخوردارند لذا در برابر وحی و ره آورد انبیا خضوع نکردند. براین اساس این آیه یکی از عوامل خضوع و عدم تسلیم کفار در مقابل دین حق و آئین الهی همانا بهره مندی آن‌ها از علوم محدود دنیوی و شدت اعجاب آن‌ها به اطلاعات و آگاهی‌ها و علوم ظاهری است که موجب شده معارف حقیقی و معنویت که فرهنگ حق را می‌سازد، اعراض کرده و آن را به سخریه و استهزا بگیرند و این حقیقتی است عظیم که در قرت حاضر ما شاهد آن هستیم و قرآن کریم از آن خبر داده است.

غربی‌ها که به صرف داشتن علم و تکنولوژی جدید به خود حق می‌دهند خود را صاحب اختیار و تصمیم گیر در سرنوشت بشریت بدانند و آن را ملاک حق و حق وتوی خود دانسته و همین مطلب مبنای فکری آن‌ها در تهاجم علیه همه فرهنگ‌های بیگانه با فرهنگ خودشان است و حتی این را یک وظیفه و ارزش برای خود می‌دانند که بر سایر فرهنگ‌ها با ابزار مختلف بتازند و آن‌ها را نابود کرده و تنها فرهنگ خود را شایسته جایگزینی برای همه فرهنگ‌ها می‌دانند. این غرور و فریب آن‌ها به علم ظاهری آن‌هاست که باعث شده خود را همه کاره بشر دانسته و عملاً و رسماً در صدد سلطه فرهنگی

بر جهان هستند و بالاتر از همه در این راستا به خود اجازه تهاجم نظامی را هم می‌دهند. (اکبری، ۱۳۷۵ ش، ۴۲)

۲-۳-۳. اشاعه گناه و فساد در جامعه

یکی از عوامل مهم و مخربی که انسان و جوامع بشری را به سمت هلاکت و نابودی سوق می‌دهد، فساد و بی بندوباری است؛ زیرا از نتایج حتمی فساد و بی بندوباری گسسته شدن پیمان‌ها، روابط، اصول و ارزش‌های انسانی است که پایه‌های مستحکم جامعه را تشکیل می‌دهند. به همین جهت، اسلام با فساد، ظلم و تعدی مخالف است و هیچ گونه مسامحه و سهل‌انگاری را در این باره جایز نمی‌داند. (مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۵ ش، ۸۵).

امروزه واژه دموکراسی بیش از هر زمانی بر سر زبان‌هاست. معنای حقیقی دموکراسی یعنی آزادی‌های مشروعی که هرکدام از افراد انسانی می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. اما آن دموکراسی که توسط غربی‌ها مطرح شد، آزادی مطلق انسان را مدنظر قرار می‌دهد که در این صورت آزادی نامشروع جزئی از حقوق طبیعی انسان‌ها به حساب می‌آید و براین اساس بی بندوباری، هم‌جنس‌بازی و مناسبات جنسی نامشروع و صدها فساد دیگر جنبه قانونی به خود می‌گیرد. ترویج این تفکر یکی از شیوه‌های تهاجم فرهنگی بر علیه ممالک اسلامی است. (همان، ۱۰۹).

امروزه لجام گسیختگی و اشاعه شهوت‌رانی در بین جوانان از رایج‌ترین و شاید آسان‌ترین روش‌های به تباهی کشیدن این قشر مهم از جامعه است و برای این منظور از راه‌های گوناگون از قبیل ماهواره، عکس‌های مبتذل، کتاب و مجله و فضای مجازی استفاده نموده است. (همان، ۱۰۳).

مقام معظم رهبری می‌فرماید:

«در هر جامعه‌ی، راه مبارزه‌ی ساده و آسان با ادیان این است که راه عنان‌گسیختگی و مهارگسیختگی شهوات را باز کنند. در ایران، این کار را شروع کردند. یکی از راه‌هایش که جزو مهمترین کارها بود، کشف حجاب بود. یکی دیگر از راه‌هایش، رواج میخوارگی بود که این کار را انجام دادند. کار دیگر این بود که رابطه‌ی محدود زن و مرد را بشکنند. این، جزو کارهای تجربه‌شده است. وسایل

جدید علمی و پیشرفتهای تمدن مثل سینما و رادیو و تلویزیون و امثال اینها نیز به آنها این امکان را می‌داد که با خیال راحت این کارها را در جامعه انجام بدهند. این، غیر از مقوله‌ی علم و سواد و فکریات و ذهنیات بود.» (سخنرانی، در ۱۳۶۹ ش.).

قرآن کریم می‌فرماید:

«يُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا، (نساء، ۲۷)؛

ترجمه: و کسانی که از خواسته‌های نفسانی پیروی می‌کنند می‌خواهند شما دستخوش انحرافی بزرگ شوید.».

مراد از میل عظیم، هتک حدود الهی است، که در آیات قبل ذکر شده است. علامه طباطبائی می‌گوید:

پیروان شهوات می‌خواهند شما همه این مرزها را بشکنید، با مادر و خواهر و دختر خود و غیره که به نسب بر شما حرام شده‌اند، و خواهر رضاعی و مادر زن و ربیبه و غیره که به سبب بر شما حرام شده‌اند همخوابگی کنید، و یا زنا را مباح دانسته تا از سنت قویم ازدواج که خدا آن را باب کرده روی‌گردان شوید. (طباطبائی، ۱۳۷۴ ش.، ج ۴، ۴۴۸)

بنابراین از مواردی که سبب انحطاط و فرومایگی خانواده است و در نهایت به انحطاط فرهنگی جامعه می‌انجامد مسأله زنا و بهره برداری جنسی غیر مشروع است که در اسلام حرام و بسیار مذمت شده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

«وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً وَسَاءَ سَبِيلًا، (اسراء، ۳۲)؛

ترجمه: و به زنا نزدیک نشوید، چرا که آن همواره زشت و بد راهی است.».

در این آیه نمی‌گوید زنا نکنید، بلکه می‌گوید به این عمل شرم‌آور نزدیک نشوید. این تعبیر علاوه بر تأکیدی که در عمق آن نسبت به خود این عمل نهفته شده، اشاره لطیفی به این است که آلودگی به زنا غالباً مقدماتی دارد که انسان را تدریجاً به آن نزدیک می‌کند، چشم‌چرانی یکی از مقدمات آن است، برهنگی و بی‌حجابی مقدمه دیگر، کتاب‌های بدآموز و «فیلمهای آلوده» و «نشریات فاسد» و «کانونهای

فساد» هر یک مقدمه‌ای برای این کار محسوب می‌شود. همچنین خلوت با اجنبیه (یعنی بودن مرد و زن نامحرم در یک مکان خالی و تنها) عامل و سوسه‌انگیز دیگری است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۲، ۱۰۲).

بنابراین علت این که خداوند، به جای «لا تزنوا» «زنا نکنید» فرمود: «لا تَقْرَبُوا الزَّوْجَةَ» به زنا نزدیک نشوید، می‌تواند برای توجه دادن به این نکته باشد که نه تنها عمل زنا ممنوع است؛ بلکه باید از عملی که زمینه‌های گرایش به فحشا را به وجود می‌آورد نیز پرهیز کرد. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶ش، ج ۱۰، ۶۵).

نتیجه‌گیری

نهاد خانواده در اسلام، یک نهاد مقدس بوده که همیشه مورد هجوم بوده و دشمنان همواره تلاش کرده‌اند که به این نهاد ضربه وارد کنند و یگانه‌سپری که مانع چپاولگری و غارت آنان شده است، دین بوده است. از این رو آنها همیشه سعی کرده‌اند که دین را از صحنه و متن زندگی خارج نموده و آن را به عنوان یک امری غیر ضروری جلوه دهند. بنابراین اگر قوانین و مقررات الهی در خانواده‌ها و جامعه سست، تضعیف و تحریف شود، غارتگران به راحتی می‌توانند به اهداف شوم استکباری خود دست یابند، دشمنان اسلام همواره سعی در ایجاد تشکیک در اذهان عمومی، تولید و ترویج شبهات، تولید محتوای ضد عفت، همه این کار را با هدف حمله به ارزش‌ها و القای فرهنگ خود انجام می‌دهد و امروزه این کارها در بستر فضای مجازی انجام می‌شود و یک عده افراد منحرف، با اغراض فاسد، می‌خواهند آیات متشابه را به شکلی غیر از آنچه هست تفسیر و توجیه کنند. برای مثال یکی از اصول گرایش فمینیستی در تفسیر قرآن آزادی عقل در فهم قرآن کریم می‌باشد. (عقل را تنها منبع معتبر برای فهم قرآن می‌دانند). این مفسران درصدد ارائه فهم جدیدی از قرآن هستند؛ یکی از آسیب‌های که گریبان‌گیر بسیاری از خانواده‌ها شده است، پدیده تجمل‌گرایی و رفاه‌زدگی است به گونه‌ای که این عمل در زندگی برای او به یک هدف تبدیل شود. بدون تردید تجمل‌گرایی از موانع پیشرفت و عوامل سقوط و انحطاط تمدن‌ها است که قرآن

از آن‌ها به «اتراف» تعبیر کرده و آن‌ها را از عوامل منفی حرکت تاریخ دانسته است؛ زیرا ملتی که مُتْرِف و سرمست شود راه اتراف و اسراف را بی‌بیماید و سرگرم تدارک غذاهای لذیذ، لباس فاخر، خانه‌ی مجلل و زندگی رنگین شود، روح تحرک و تلاش را از دست می‌دهد و به فسق و فساد دست می‌آید. بی‌توجهی به آینده و فقط حال را نگرستن و به تعبیر فرهنگ قرآنی تنها به فکر دنیا بودن از جمله معیارهایی است که نظام‌های استکبار برای انسان ترسیم می‌کنند و اعتقادات و اخلاق فردی و اجتماعی را از انسان‌ها می‌زداید. یکی از عوامل مهم و مخربی که انسان و جوامع بشری را به سمت هلاکت و نابودی سوق می‌دهد، فساد و بی‌بندوباری است. زیرا از نتایج حتمی فساد و بی‌بندوباری گسسته شدن پیمان‌ها، روابط، اصول و ارزش‌های انسانی است که پایه‌های مستحکم جامعه را تشکیل می‌دهد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه، با ترجمه دشتی، محمد، قم، پارسیان، ۱۳۷۹ش.

۱. آخوندی، مصطفی، مقاله: «شبهه سازی، راهکار فرهنگی دشمن»، مجله: مریان، سال چهارم، شماره ۱۲، ۱۳۸۳ش.
۲. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید، شرح نهج‌البلاغه، تحقیق ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالاحیاء الکتب العربیه، چاپ دوم ۱۳۸۷ش.
۳. احسائی، محمد بن علی، عوالی اللئالی العزیزیه، قم، دار سیدالشهداء (ع)، ۱۴۰۵ق.
۴. احمدزاده، مصطفی، مقاله: «دنیاگرایی، آسیبی فرهنگی از منظر قرآن»، مجله: پژوهش‌های قرآنی، شماره ۵۵ و ۵۴، ۱۳۸۷ش.
۵. اکبری، حسن علی، تهاجم فرهنگی از دیدگاه آیات، روایات و فقه، بی‌جا، سازمان تحقیقات خودکفائی بسیج، ۱۳۷۵ش.
۶. تقی پور، حسین، راهکارهای قرآنی تقابل با ناتوی فرهنگی، بی‌جا، آثار امین،

۱۳۸۸ش.

۷. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، هجرت، ۱۳۷۶ش.
۸. جمعی از نویسندگان، علل پیشرفت و انحطاط مسلمین، قم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بی تا.
۹. حبیبی، حمید، مقاله: «ناتوی فرهنگی»، فصلنامه دین و سیاست، شماره ۱۱-۱۲، بهار و تابستان ۱۳۸۶ش.
۱۰. حرعاملی، محمدبن حسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۱. خامنه ای، سیدعلی، سخنرانی در جمع طلاب و دانشجویان ۲۸ آذر ۱۳۶۹ش، www.leader.ir تاریخ دسترسی ۱/۲۱/۱۳۹۹ش.
۱۲. خوانین زاده، محمدحسین، و دیگران، مقاله: «گونه شناسی تهاجم ماهواره از منظر قرآن و حدیث»، پژوهشنامه معارف قرآنی، شماره ۱۶، ۱۳۹۳ش.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۱۴. رضائی اصفهانی، محمدعلی، پرسش ها و پاسخ های قرآنی، قم، پژوهش های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۵ش.
۱۵. سازمان تحقیقات خودکفائی نیروی مقاومت بسیج، تهاجم فرهنگی از دیدگاه سیاسی، تهران، آیه، ۱۳۷۹ش.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی، قم، اسلامی، چ پنجم، ۱۳۷۴ش.
۱۷. طباطبایی یزدی، محمد کاظم، العروه الوثقی (المحشی)، قم، اسلامی، ۱۴۱۹ش.
۱۸. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ۱۳۸۸ش.
۱۹. لطیفی پاکده، لطفعلی، جریان شناسی ۲، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروی مقاومت بسیج، معاونت آموزش، ۱۳۸۱ش.

۲۰. مغنیه، محمدجواد، ترجمه تفسیر کاشف، ترجمه موسی دانش، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۸ش.
۲۱. محمدی ری شهری، محمد، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، مترجم حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۹ش.
۲۲. کریمی بنادکوی، محمود و محمدصادق هدایت زاده، مقاله: «اصول گرایش فمینیستی در تفسیر قرآن کریم؛ معرفی و ارزیابی»، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۶، سال ۱۳۹۴ش.
۲۳. مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، تهاجم فرهنگی، بی جا، معاونت انتشارات مرکزی فرهنگی سپاه، ۱۳۷۵ش.
۲۴. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایره المعارف قرآن کریم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چ سوم، ۱۳۸۲ش.
۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی، تهاجم فرهنگی، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۷۶ش.
۲۶. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، آدنا، ۱۳۸۸ش.
۲۷. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۷ش.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
۲۹. مهدی زاده، حسین، واکاوی فقهی پوشش مشکی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۳۹۳ش.
۳۰. نساجی، اسماعیل، مقاله: «فرهنگ تجمل گرایی؛ آفت زندگی سالم»، مجله درس هایی از مکتب اسلام، ش ۶۳۹، ۱۳۹۳ش.
۳۱. نصرت بیگم امین، تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن، تهران، نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ش.
۳۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ش.

۳۳. همایش بین المللی دکترین مهدویت و موسسه آینده روشن، هنر زمینه ساز؛ راهبردها

وراهکارهای فرهنگی، قم، آینده روشن، ۱۳۹۲ش.

۳۴. همایش بین المللی دکترین مهدویت، مجموعه آثار ششمین همایش بین المللی دکترین

مهدویت، قم، آینده روشن، پژوهشکده مهدویت، ۱۳۹۰ش.